

## ضرورت مجلس موء سسان. شعر مقاله

علی یحیی پور سل تی تی

کار آگاه گرانه ؛ کار تخصصی  
فر هنگ تخصصی  
فر هنگ روشنفکران بورژوازی  
بدون فر هنگ بورژوازی  
نمی توان ساختمان سوسیالیسم را ساخت  
تخصص است که می سازد  
بورژوازی بر روی دوشهای روشنفکران  
ماء وا گرفته و فر هنگ خود را می سازد  
طبقهء کارگر هم باید چنین کند  
کومونیست انقلابی دلیر  
اما عقب مانده و بی سواد بی دانش  
قادر به ساختن ساختمان سوسیالیسم نیست  
انتقادی که لنین این آموزگار بزرگ  
به خود کرد  
اعترافی بزرگ  
سوسیالیسم بر تخصص و دانش  
و تولید انبوه ساخته می شود  
با کارگر عقب مانده  
می توان قدرت سیاسی گرفت  
حتی بزرگترین جنگهای امپریالیستی  
را مهار کرد  
ولی ساختمان سوسیالیسم را نمی توان ساخت  
چنین است فتح روشنفکران برای سوسیالیسم  
یک ضرورت است .

چنین است موجودیت دموکراسی  
و ضرورت تاء سپس مجلس موء سسان  
و بنیاد های دموکراتیک اینها باید  
جزء اصول ساختمان سوسیالیسم باشند  
اشتباهی که لنین کرد  
میلیونها انسان را در جنگهای امپریالیستی کشت  
و بر بستر چنین اشتباهی استالینسم لانه گزید  
و میلیونها قربانی گرفت  
پل پت روشنفکران را به گاو آهن بست  
و هزاران انسان متخصص را کشت  
مائو هم به سر روشنفکران کلاه بوقی گذاشت  
چنین بود سر نوشت سوسیالیسم قرن بیستم .

بر تارک تخصص و فرهنگ  
سوسیالیسم بنا می شود  
و گرنه طاعون و وبا همه را می بلعند  
روشنفکران به اصطلاح بورژوازی  
به خاطر تولید فرهنگ و تخصصی که دارند  
در رشد بار آوری کار دخالت مستقیم دارند  
و جزء طبقهء کارگرند  
و بخش آگاه طبقهء کارگرند  
طبقهء کارگر در انکشاف سرمایه  
به قول مارکس یک رابطهء اجتماعیست  
که همه را در گیر سرمایه می کند سرمایه ای که  
از همه بار می کشد و آنان را استثمار می کند  
طبقهء کارگر در نوع تولیدش نیست که مشخص می شود  
بلکه در رابطه با ارزش افزائی سرمایه است  
که مشخص می شود "1".

بر بلندای آسمان خاکستری غرب  
نگاه می کنم  
و مغزم را به تاریخ خونین انقلاب اکتبر  
و انقلابات جهان می دوزم  
و به این قتل عام و پوسیدگی سوسیالیسم قرن بیستم  
که می توانست اجتناب پذیر باشد  
بشریت امتحانات بزرگی را پس داد  
که همه در قانون پل پت قابل توجیه بودند .

کار متخصص خود تخصص ایجاد می کند  
و جهان را تغییر می دهد  
پزشک و پرستار خلاق کارند  
و تضمین کنندهء سلامت روحی کارگران  
در جامعه سرمایه داری آنها  
خدمتگزار بورژوازی اند  
در جامعهء سوسیالیستی  
باید به سوسیالیسم خدمت بکنند  
اما قله شان باید فتح گردد  
و آن تشکل است  
تشکل شان مجلس مؤسسان  
و بنیاد های دموکراتیک است  
نمی توان با قتل عام متخصص و فرار پزشکان  
سوسیالیسم را بنا کرد  
با گاو آهن و عقب ماندگی کارگر  
سوسیالیسم ساخته نمی شود  
آیا به آن فکر کرده ای؟!  
چه کسی گفته است تخصص یعنی طبقهء بورژوا ؟  
متخصصین سازندگان تاریخند  
سازندگان کارند  
خلاق در تاریخ می درخشند  
لنین در فراشد انتقاد از خود زیر پایشان زانو زد  
و اعتراف نمود با هفت هزار و چهار صدکومونیست  
خارج از مسکو سوسیالیسم

ساخته نمی شود  
وبرای متخصص شش برابر مزد بیشتر در نظر گرفت  
اما مارکس آنها را هم تراز طبقهء کارگر توصیف کرد  
سر نوشت بشریت و آزادی او  
به تخصص بسته است  
که با سوسیالیسم انسانی گره خورده باشد  
و گرنه همه چیز هذیان و سراب است .

طاعون بود و مرگ  
جنگ و گرسنگی  
چگونه بود که در بستر سرکوب مجلس موءسسسان  
این جنگ در گرفت  
که می توانست نگیرد  
روشنفکران و متخصصین پوست سوسیالیسم اند  
مثل پوست بدن انسان  
که اگر زخمی شود  
چرک می کند و می پوسد  
سوسیالیسم بدون متخصص می پوسد  
و از درون متلاشی می شود  
درختی که برگ ندارد می میرد  
دانش و آگاهی برگهای سوسیالیسم اند  
و اکسیژن سوسیالیسم را تاءمین می کنند  
و بار ورش می کنند .

می دانم هنر و فرهنگ طبقاتیست  
ولی هنر از هیچ زائیده نمی شود  
با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود  
تا تو این کنش و واکنش را نبینی  
سوسیالیسم سر بریده دنیا می آید  
سوسیالیسم "آرمان" نیست  
بلکه "جنبشیت"<sup>2</sup> در درون جامعهء سرمایه داری  
مدام در این جنبش فرهنگش نضج پیدا می کند  
و فرهنگ و ادبیات و هنر می سازد  
و از درون سر مایه را به چالش می گیرد  
و این فرهنگ و این جنبش در درون روشنفکران است  
"ضرورتی ندارد در جامعهء عقب نگه داشته شده  
سر مایه به فور رشد کند  
تضاد و رقابت در کشور های صنعتی کافیسیت تا مناسبات  
کشورهای عقب نگه داشته شده را بسازد  
و تضاد کار علیه سرمایه و انقلاب سوسیالیستی را  
در دستور روز قرار بدهد"<sup>3</sup>  
ولی تا پوستهء سوسیالیسم ادبیات و تخصص انقلابی  
آن را نسازد سوسیالیسم متولد نمی شود  
سلولی که غشا و پوسته نداشته باشد  
متلاشی می شود  
اول باید توسعهء علمی کرد  
بعد توسعهء تکنولوژی ممکن می گردد  
بدون روشنفکر تولید علمی محال است  
سر نوشت بشریت و رهائی او

در گرو احترام به ادبیات و هنر و تخصص است .

همانطوریکه انقلاب ارضی  
و طرح نپ برای این بود  
که دهقانان پشت پرولتاریا بسیج شوند؛  
همانطوریکه سرمایه داری دولتی  
برای جذب سرمایه های خارجی و داخلی  
جهت سرمایه گذاری در ساختمان سوسیالیسم  
و رشد نیروهای مولده یک ضرورت بود  
که توسط اندیشه های داهیانء لنین  
اجرا شد  
همانطور هم تشکیل مجلس موءسسان  
و بنیاد های دموکراتیک  
برای پشتوانه ء انقلاب سوسیالیستی یک ضرورت است  
تا اهل تخصص و دانش و فرهنگ را  
پشتوانهء انقلاب کند  
این تنها راه انقلاب در کشور های  
عقب نگه داشته شده است.

مجلس موءسسان در پنجم ژانویه 1918  
توسط لنین منحل شد  
انحلالش درست بود  
چون فرا خوانی اش زود بود  
انقلاب باید وقت کافی می داشت  
تا برای مجلس موءسسان تبلیغ کند  
و این تبلیغ صورت نگرفته بود  
و بلشویکها در درون دهقانان شناخته شده نبودند  
ولی اگر انقلاب ارضی صورت می گرفت  
و بلشویک ها پایگاه در درون دهقانان کسب می کردند  
انحلال مجلس موءسسان یک اشتباه می بود  
لنین بایست دوباره آن را فرا می خواند  
وقتی بلشویک ها اکثریت آرای دهقانان را داشتند  
فرا خوانی مجلس موءسسان یک ضرورت بود  
چه بسا منشویکها و اس آر های چپ را  
پشتوانه ء ضد انقلاب نمی کرد  
چه بسا لنین ترور نمی شد و سرنوشت بشریت این نبود  
چه بسا ممکن بود جلوی جنگ داخلی سد شود  
و فقر و گرسنگی عاید دهقانان نشود  
چه بسا سر کوب آزادی های دموکراتیک صورت نمی گرفت  
این اشتباه لنین بود  
که سوسیالیسم را از درون خشکاند  
در ست مثل درختی که پوستش کنده شود  
ایستاده خشک شود سوسیالیسم ایستاده خشک شد  
و از درون پوسید .

هفدهم اکتبر دو هزار و ده

1تعریف طبقهء کارگر از دیدگاه مارکس.

"اگر مجاز باشیم مثالی خارج از حوزه تولید مادی بیاوریم می توان گفت معلم مدرسه وقتی علاوه بر پرورش شاگردان از فرط کار از زانو می افتد برای آنکه صاحب مدرسه پول دار تر شود کارگر مولد است اینکه صاحب مدرسه سر مایه اش را به جای کار خانه کالباس سازی در کار خانه آموزشی به کار انداخته است تغییری در این رابطه نمی دهد . بنا براین مفهوم کارگر مولد متضمن صرفاً رابطه ای میان کار و اثر مفید آن ؛ میان کارگر و محصول کار او نیست بلکه متضمن یک رابطه اجتماعی تولیدی خاص ؛ رابطه ای با منشاء تاریخی که مهر وسیله مستقیم ارزش افزائی سرمایه بودن را بر پیشانی کارگر می کوبد نیز هست "

کاپیتال جلد اول فصل شانزدهم تولید ارزش اضافی نسبی و مطلق  
ترجمه و جمشید هادیان  
2و3 ایدئولوژی آلمانی اثر مارکس از سایت اینترنتی مارکسیسم صفحه 62

در ضمن لنین در جلد دوم قسمت دوم از منتخب آثار ترجمه پور هر مزان در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کومونیست روسیه یازدهمین کنگره و حزب کومونیست در تاریخ 27 مارس 1922 چنین می گوید.

"باید اعتراف کرد و از اعتراف بدین نکته نهراسید که کومونیستهای مسئول در 99 مورد از صد مورد بر سر کاری که بدردتش می خوردند نیستند و نمی توانند کار خود را اداره کنند و باید اکنون تعلیم بگیرند اگر این نکته مورد تصدیق قرار گیرد ؛ از آن جا که ما برای این کار امکان کافی داریم و با توجه به وضع عمومی بین المللی برای پایان رساندن تعلیم خود وقت کافی خواهیم داشت آن گاه این کار را بهر قیمتی که باشد باید انجام داد " صفحه 819

"مسئله بدین نحو مطرح است و اشکال در این جاست هر شاگرد تاجری در مکتب یکی از بنگاهای بزرگ سر مایه داری را گذرانده باشد از عهده چنین کاری بر می آید ولی 99 درصد کومونیستهای مسئول نمی توانند و نمی خواهند بفهمند که چنین کاری را بلد نیستند و باید از الفبا شروع کنند . اگر ما به این نکته پی نبریم و بار دیگر از کلاس تهیه شروع بدرس خواندن نکنیم به هیچ وجه از عهده انجام آن وظیفه اقتصادی که اکنون پایه تمامی سیاست است بر نخواهیم آمد " صفحه 805

"ساختن جامعه کومونیستی بدست کومونیستها اندیشه ایست کودکانه و کاملاً هم کودکانه کومونیستها قطره ای هستند در دریا قطره ای هستند در دریای خلق آنها فقط زمانی می توانند خلق را از راهیکه خود می روند ببرند که بتوانند راه را درست تعیین کنند و این تعیین هم تنها به معنای سمت تاریخی و جهانی آن نباشد ... ما زمانی خواهیم توانست امور اقتصادی را اداره کنیم که کومونیستها بتوانند این اقتصاد را با دست دیگران بسازند و خودشان در نزد بورژوازی بیاموزند و وی را در آن راهی که کومیسستها خواستارند سیر دهند و اما اگر کومونیستها این طور تصور کنند که ما همه چیز را می دانیم زیر ا کومونیست مسئول هستیم و ما اشخاصی خیلی با لاتر از فلان شاگرد تاجر را مغلوب کرده ایم و در جبهه ها از این بالاتر ها را خورد کرده ایم آن وقت باید گفت که این روحیات کار ما را زار خواهد کرد " صفحه 795

"این هنوز نصف کار است غلبه بر بورژوازی و از پا در آوردنش کافی نیست باید او را وا داشت که برای ما کار کند " صفحه 794

"آیا کومونیستهای مسئول جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه و حزب کومونیست روسیه خواهند توانست این نکته را درک کنند که آنها اداره امور را بلد نیستند و فقط خیال می کنند که مشغول اداره اند و حال آنکه در واقع خودشان هستند که اداره می شوند ؟ اگر بتوانند این مطلب را درک کنند در آن صورت البته علم خواهند آموخت زیرا می توان علم آموخت ولی برای این کار باید تعلیم گرفت و حال آن که در کشور ما تعلیم نمی گیرند و چپ و راست دستور و فرمان می پرانند و به هیچ وجه هم آن چه که می خواهند از کار در نمی آید " صفحه 793